

صائب چه خیال است شود همچو نظیری  
عرفی به نظیری نرسانید سخن را  
صائب

## گفتمان دینی و آیینی شعر نظیری نیشابوری

دکتر غلامعلی فلاح\*

### چکیده

نظیری را شاعری درویش سیرت و صوفی مشرب می‌شناسند که عَلم شاعری را در خراسان برافراشت و صیت سخنانش را به گوش شاعران فارس و عراق رسانید. نظیری در زمان خود به دنبال ممدوحانی می‌گشت که قدر شعر و شاعری را بشناسند، از این رو به هند سفر کرد و از ممدوحان ایران اعراض نمود. نظیری از شاعران معروف سبک هندی است که در سبک نگارش خود از الفاظ و مفردات و ترکیبات جدید بهره جسته و جهان بینی خود را برپایه بینش دین مبین اسلام و به‌ویژه مذهب تشیع استوار نموده است. از همین رو در کنار گفتمان مسلط درباری دیوان وی که در آن به مدح درباریان پرداخته و از رهگذر آن امرار معاش کرده است، با توجه به گرایش‌های دینی و مذهبی نظیری و گفتمان غالب دیگری در دیوان وی خودنمایی می‌کند که در این جستار تحت عنوان گفتمان دینی و آیینی، تبیین و جلوه‌های مختلف آن بررسی شده است.

**کلیدواژه‌ها:** زبان، گفتمان دینی و آیینی، شعر و شاعری، سبک هندی، نظیری نیشابوری.

---

\*. دانشیار دانشگاه خوارزمی.

## ۱. درآمد

بدون تردید میان شعر شاعران و جامعه‌ای که در آن می‌زیسته‌اند، پیوندی برقرار بوده و هست تا آنجا که برخی منتقدان، شعر شاعران بزرگ را آئینه تمام‌نمای جامعه روزگار شاعران می‌دانند. البته این دعوی در باب جامعه‌ای صدق می‌کند که مردم در آن حضور داشته باشند، نه اینکه رعیت و رام و تابع و مقهور ارباب و رئیس خود باشند. از همین رو در دوره نخست شعر فارسی تصویر اجتماع در شعر شاعران بزرگ بسیار کم‌رنگ است و حتی ساختار شعر و قالب‌های آن متأثر از محیطی است که مخاطبان آنها در آن حضور دارند، یعنی دربار. بی‌شک پیوند و شباهتی غیر قابل انکار میان قالب قصیده و ساختار دربار آن زمان می‌توان یافت و بعدها که مخاطبان شاعر، دیگر درباریان نیستند، و البته دیگر از دربار مقتدر هم خبری نیست و خانقاهیان مخاطب شاعران می‌شوند و غزل‌هایشان، قالب غالب شعر شاعران در دوره سبک عراقی می‌شود.

در دوره صفویه که شاهان صفوی مدح شاعران را به چیزی نمی‌خریدند و شاعران را از دربار می‌رانند، مخاطب شاعران، مردم قهوه‌خانه‌ها می‌شوند و قالب این دوره نیز غزل اسلوب معادله‌ای می‌شود که یادآور قهوه‌خانه‌های آن زمان است. به دلیل همین بی‌مبالاتی پادشاهان صفوی و بی‌مقداری شعر و شاعران، نزد آنان، شاعران آواره و سرگردان می‌شوند و بعد از مدتی سرگردانی در ایران به ناگزیر برای یافتن مخاطبان و حامیان اقتصادی به هندوستان سفر می‌کنند. از قضا نظیری نیشابوری یکی از مسافران کاروان هند است که هم تجارت می‌کند هم فنون زرگری می‌داند و هم به مداحی می‌پردازد. ما در این نوشتار درصدد هستیم که به تبیین گفتمان دینی و آیینی شعر وی بپردازیم.

## ۲. بیان مسئله

گوهر زبان که رابطه‌ای بنیادین با یکتایی هستی دارد با اندیشه یکی است و تبلور آن در شعر بهتر میسر می‌گردد یا به قولی «آشکارگی حقیقت در بیان شاعرانه ممکن می‌شود» (احمدی، ص ۷۲۲). از همین رو شاعر از زبان به مثابه کوششی برای رسیدن به خویشتن بهره می‌گیرد.

شعر شاعران متعهد و ملتزم مانند نظیری نیشابوری یکی از ماندگارترین بیان‌های شاعرانه‌ای است که آشکارگی حقیقت در آن تبلور می‌یابد و آفرینندگی انسان و خلیفه‌الله بودن او را نشان می‌دهد:

اذا ما شئت ان تحیی حیوة حلوة المحیا به رسوایی برآور سر، ز مستوری برون نه پا

(نظیری نیشابوری، ص ۲)

نظیری از رهگذر خلاقیت‌های فردی و تحت تأثیر تعیینات اجتماعی می‌خواهد در زبان، فرآیند تولید متن خود را تجربه کند متن شعری‌ای که «بیان دردناک و نعره‌ مستانه خود را در آن با آیات زبور و نغمه داود عوض نمی‌کند و پس از داستانی شدن قصه فرهاد و خسرو افسانه خود را با آن کتابی کند» (مصفا، ص ۱۲) تا شهره آفاق شود. این تولید متن شعری از رهگذر به‌کارگیری مقال‌های زبانی متعددی که هم مجسم‌کننده معنی و ذهنیت اوست و هم نشان‌دهنده نوع ارتباط دینی، اجتماعی و سیاسی عصر وی، میسر می‌شود. در این مقال درصدد هستیم تا از رهگذر تبیین گفتمان<sup>۱</sup> غالب دیوان نظیری: گفتمان دینی و آیینی، هم فراخی و گستردگی و غنای زبان دیوان نظیری را نشان دهیم، زبانی که به تعبیر هایدگر «خانه هستی شاعر است» و انسان از رهگذر آن که «رویداد از آن خود کننده» است امکان‌های عالی وجود انسان را به خدمت می‌گیرد و نیز از طریق کارکردهای متنوع آن آزادی را تجربه می‌کند. و به‌گونه‌ای زبان‌آورانه جهانی را آشکار می‌کند که انگار پیش‌تر پنهان و خاموش بوده است (احمدی، ص ۷۲۳) و هم شخصیت شاعر را در ساحت‌های زبانی مختلف دریابیم.

### ۳. زبان شعر نظیری نیشابوری

محمدحسین متخلص به نظیری در نیشابور متولد شد. از اوان کودکی به سرودن شعر پرداخت و در جوانی آوازه او در خراسان و عراق در پیچید. روانه عراق شد و مدتی در کاشان رحل اقامت افکند و با شاعران روزگار خود، مصاحب شد و با آنان به مشاعره پرداخت، اما ممدوح و مخاطبی اهل نیافت و آوازه بخشش و ادب‌پروری عبدالرحیم خان

۱. درباره معانی و تعاریف اصطلاح گفتمان نک: مک دائل، دایان، مقدمه‌ای بر نظریه گفتمان، ترجمه حسینیعلی نودری، فرهنگ و گفتمان، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۰-۱۶.

خانان او را به هندوستان کشاند. از سال ۹۹۲ق به مدح او پرداخت و پس از آن به مدح اکبر و دیگر حاکمان هندی اقدام کرد و احمدآباد گجرات را مسکن اصلی خود در هند برگزید، اما به مناسبت‌های مختلف به دکن و آگره و دیگر شهرهای هندوستان سفر می‌کرد. در سال ۱۰۱۴ پس از درگذشت اکبرشاه و به تخت‌نشینی جهانگیر پسر اکبر به دربار او راه یافت.

نظیری روابط اجتماعی گسترده‌ای داشته است، هم با شاعران صاحب‌نام عهد خود، همچون انیسی، ملا بقایی، ظهوری، ملک قمی و هم با پادشاهان و حاکمان بزرگ هندوستان مانند عبدالرحیم‌خان خانان، اکبرشاه و جهانگیر شاه. وی مدتی در سند از ملازمان شیخ غوثی مندوی بود و نزد وی عربی و دانش دینی آموخت و چندی بعد تفسیر و حدیث را نزد حسین جوهری فرا گرفت.

اگرچه نظیری سفرهای بسیاری به اقصی نقاط هندوستان و ایران کرد و حتی به زیارت خانه خدا نائل آمد، و پیوسته در رفت و آمد میان گجرات و آگره و دکن بود، اما در چند سال پایان عمر خویش عزلت اختیار کرد. با این همه از مدیحه‌سرایی دست نکشید و این عزلت وی با نوعی عشرت و زندگی امیرانه همراه بود.

او مسلمانی شیعه‌مذهب و متعصب بود و در همان گجرات مسجدی نزدیک منزل خویش بنا کرد و پس از آنکه دارفانی را به سال ۱۰۳۳ و داع گفت در همان مسجد دفن شد. بن‌مایه اصلی شعر نظیری مدیحه است و از رهگذر مدیحه‌سرایی ارتزاق می‌کرد، اما در شعر او ابعاد مختلف زندگی اجتماعی، سیاسی و دینی تبلور خاصی دارد و این همه موجب غنای زبانی او شده است. بدون تردید گستردگی خانه زبانی او، نشان از فراخی جهان‌بینی وی دارد. این شاعر نیشابوری از شاعرانی مانند انوری، خاقانی، نظامی و سعدی و به‌ویژه در غزل‌سرایی از حافظ تبعیت و تقلید کرده است.

یکی از گفتمان‌های غالب دیوان وی بعد از گفتمان درباری که در آن به قدح و مدح درباریان می‌پرداخته است، گفتمان آیینی و دینی است. در این مقاله درصدد هستیم که این موضوع را بکاوییم و جلوه‌های مختلف آن را استخراج و طبقه‌بندی کنیم و در نهایت به تحلیل و تبیین آن بپردازیم. ظاهراً تاکنون جستاری پژوهشی در این موضوع تحریر نشده است.

## نظیری از منظر تذکره‌نویسان<sup>۱</sup>

در اغلب تذکره‌ها به گرایش‌های دینی و مذهبی شاعر به تفصیل پرداخته و از سفرهای زیارتی و دینی وی سخن رانده‌اند، از جمله اینکه وی نه تنها تولیت مسجدی را به عهده داشته و مبلغ آیین شیعه بوده که در همان مسجد نیز دفن شده است. بدون تردید آیین‌های مختلف هندوستان نیز بر شعر وی تأثیر گذاشته‌اند و نشان آنها را نیز می‌توان در دیوان وی یافت. اگر فقط به فهرست نام کتاب‌هایی که در دیوان شاعر آمده نظری بیفکنیم این مهم تأیید می‌شود، نام کتاب‌های مقدس بدین شرح است: اورنگ، انجیل، تورات، زبور، قرآن، فرقان، قرآن مبین، کلام حق، مصحف و مصحف مبین. در اینجا برای تبیین بهتر موضوع به نقل و نقد دیدگاه سه تذکره‌مهم هندوستان: مآثر رحیمی، سرو آزاد و شعر العجم می‌پردازیم.

به تصریح نویسنده مآثر رحیمی «مولانا نظیری نیشابوری، شاعری کامل سخن و سخنوری صاحب‌فطن بود و در مضمار حسن طبیعت از اکفا و اقران، مبادرت و مسارعت می‌نمود و در میدان سخنوری و نکته‌دانی، زین بیان بر مراکب مسرعه افکار نهاده، گوی مسابقت از فارسان این فن می‌ربود، و چندان ابداع معانی غریبه و مضامین مشکله که او را روی داده هیچ یک از موزونان را نداده. مقتدای شاعران سخن‌دان و پیشوای عاشقان صادق‌بیان بود و به کمال دانش و وفور بینش در میان امثال و اقران شهرت بیش از وصف پیدا کرده بود» (عبدالباقی نپاوندی، ج ۳، ص ۹۱).

این شاعر که صائب تبریزی او را به بر عرفی و بر خود ترجیح داده:

صائب چه خیال است شود همچو نظیری عرفی به نظیری نرسانید سخن را

(صائب ۱، ص ۳۹۶)

به نوشته آزاد بلگرامی «در آخر زندگانی عنان نظم‌تراشی به صوب طرز گفتار صوفیان وحدت‌گزار منعطف ساخته، نخست سواد عبارت عربی را از مصاحبت نگارنده گلزار ابرار روشن ساخت سپس دوازده سال که تتمه عمر او بود در احمدآباد اقامت گزید. علوم دینی

۱. برای تفصیل بیشتر درباره زندگی و آثار نظیری نیشابوری نک: صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵ (بخش ۳)، ص ۸۹۷-۹۱۶؛ آذربیکدلی، آتشکده، به کوشش حسن سادات ناصری، تهران، ۱۳۳۸، ص ۵۰۹؛ هدایت، رضاقلی خان، مجمع الفصحا، به کوشش مظاهر مصفا، تهران، ۱۳۳۹، ص ۱۰۱؛ گلچین معانی، احمد، کاروان هند، مشهد، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۴۴۹-۱۴۵۶؛ همچنین کتاب‌های هفت اقلیم، مآثر رحیمی، خلاصه‌الشعار، عرفات العاشقین، تذکره میخانه، بهارستان سخن، ریاض العارفین، گنج سخن، شعرالعجم، نتایج‌الافکار، کلمات‌الشعراو...

تحصیل کرد و تفسیر و حدیث از خدمت مولانا حسین جوهری فراگرفت» (ص ۶۴). شبلی نعمانی در این باره می‌نویسد: «باید دانست که نظیری پیمبر اوالوالعزم این شریعت به شمار می‌آید او هزاران الفاظ و مفردات نوین و تراکیب جدید و تازه پدید آورده است. راست است این الفاظ از پیش موجود بوده‌اند، اما در مواقع و مواردی که او از آنها به کار گرفته و یا به طریقه و روشی که او نمایش‌شان داده شاید قبلاً این‌طور و بدین نحو نمایش داده نشده بودند» (ج ۳، ص ۱۲۱-۱۲۲).

اغلب معاصران نظیری، او را مقتدای شاعران سخن‌دان و پیشوای عاشقان صادق می‌دانند، می‌گویند او علم شاعری را در خراسان برافراشته و صیت سخنوریش به گوش نکته‌شناسان عراق و فارس دوران خود رسیده است. او را درویش طبیعت صوفی سیرت می‌شناسند، به این سبب می‌گویند نظیری در اواخر عمر خود دامن از ملازمت امرا برچیده و در عزلت زندگانی را سپری کرده است. عده‌ای دیگر نیز معتقدند او از بهره‌مداحی، مالی و ثروتی اندوخته و زندگانی اشراف گونه‌ای داشته و تا دم مرگ دست از مداحی نکشیده است.

#### ۴. جلوه‌های گفتمان دینی در شعر نظیری

اگرچه مدیحه، وجه غالب شعر نظیری به شمار می‌رود و در درجه بعد شعر تغزلی و عاشقانه، اما در کنار دو گفتمان درباری و عاشقانه، لغات و اصطلاحات بی‌شمار صوفیه و الفاظ و تعبیرات علمی مختلف مانند صرف و نحو و بلاغت، حساب و نجوم و طب و کلام و فلسفه در شعر شاعر، به چشم می‌خورد اما چندان تشخص سبکی ندارد، اما استشهاد بسیار به آیات و احادیث و نیز لغات و ترکیبات کثیر عربی و وفور نسبی امثال و اقوال و تعبیرات و مؤثرات دینی بسیار، به زبان شعر وی تشخص سبکی خاصی داده است. آنچه مسلم است سبک نگارش و کاربرد الفاظ و مفردات نوین و ترکیبات جدید و تازه برگرفته از مقال دین در دیوان وی چنان استادانه به کاربرده شده که سبک او را در میان شاعران سبک هندی منحصر به فرد کرده است. نظیری در هنگام سرودن اشعار خود، بیشتر خیالات و کیفیات کلمات را به مادیات و محسوسات تشبیه می‌کند. در اینجا با تأنی و درنگ بیشتر به بررسی زبان دینی و آیینی شاعر در سه بخش اعلام مقدس، مکان‌های مقدس، کتاب‌های مقدس و اصطلاحات مذهبی و آیینی می‌پردازیم.

## الف) اعلام مقدس

نام‌های افراد و خاندان‌ها و القاب و انساب و عنوان‌های دینی در دیوان نظیری حضوری چشم‌گیر دارد. نام‌هایی مانند آدم، آزر، آصف، آل‌نبی، آل‌زهرا، آل‌عبا، آل‌علی، آل‌مطهر، آل‌نبی، ابراهیم خلیل، ابلیس، ابن‌زیاد، ابن‌ملجم، بن‌یامین، ابوحنیفه، احمد<sup>(ص)</sup>، احمد مرسل، ادريس، آدم، اسماعیل، ابراهیم، امام‌ثامن، امام‌زمان، ام‌هانی، خواهر حضرت رضا، اهل‌البیت، ایوب، بتول<sup>(ع)</sup>، باقر<sup>(ع)</sup>، بلقیس، بنی‌آدم، ابوالحسن حضرت علی<sup>(ع)</sup>، ابوالحسن حضرت رضا<sup>(ع)</sup> و... نظیری از رهگذر به کارگیری همین نام‌ها و عنوان‌های دینی هم توانسته به خلایق هنری دست یازد و هم باورهای دینی‌اش را به مخاطبان شعر خویش القا سازد. برای مثال در بیت اول از ابیات زیر از طریق باور ترک اولی حضرت آدم<sup>(ع)</sup> شاعر موفق به خلق چنین تصویر زیبایی شده یا بازی لفظی زیبایی که در بیت بعد میان دو کلمه یزید و مزید انجام داده است. در نمونه‌های بعد شاعر بیشتر باورهای دینی خود را بیان کرده و به مخاطب خویش یادآور شده است.<sup>1</sup>

۱. نام‌های خاص افراد و انساب و عنوان دینی:  
محمد:

- |                                   |   |
|-----------------------------------|---|
| باطل از پا درآمد و قایم ستاد حق   | تا نور دین محمد معجز بیان نشست (ص ۴۰۵، ب ۲۱)    |
| ام‌شهرهای دنیا به سواد شهر اعظم   | رخ بلیشر به سویش ز سرای ام‌هانی (ص ۵۰۳، ب ۱)    |
| همای همت زوج بتول آن مرغی ست      | که دولت دو جهان زیر شهپر آورده (ص ۴۹۳، ب ۶)     |
| فرصت بادا که می‌باید ستمگاری چنین | این قرار و طاقت و این صبر ایوب مرا (ص ۱۶، ب ۱۱) |
| با سد زبان فصاحت هارون نمی‌خرد    | گوشی که از کلیم خود لکنت زبان (ص ۴۵۷، ب ۱۶)     |
| خطبه حوا و آدم بهر آیین نکاح      | از ثنای خویش و نعت احمد انشا ساخته (ص ۴۸۴، ب ۱) |
| صاحب‌دلی نیافت چو او سر کاینات    | از روشنی قلب شعیبی مقام شد (ص ۵۵۴، ب ۲۰)        |
| مدعی بی‌سببی دست ملامت نبرید      | حرز یوسف دم شمشیر دعای پدرست (ص ۴۰۱، ب ۲)       |

آدم:

جرمی که آدم کرده بود از آب رویت شسته شد  
بر روی اولاد بشر حق خال عصیان خوش نکرد  
(ص ۴۲۱، ب ۴)

آل علی:

جاه یزید و قوم یزیدش مراد نیست  
حب علی و آل علی باد برمزید  
(ص ۵۵۹، ب ۱۲)

آل نبی:

آل نبی ز بعد نبوت وصی شدند  
کین رتبه با ملائکه آسمان نبود  
(ص ۵۵۳، ب ۲)

امام زمان:

کسی که پی به امام زمان همی نبرد  
رسول صادقش از خیل کافر آورده  
(ص ۴۹۳، ب ۱۰)

ابراهیم:

هیجو ابراهیم دیدم شکل قربانی بخواب  
شکر لله بی عوض مقبول شد قربان من  
(ص ۴۶۶، ب ۷)

بلقیس:

بلقیس ملک غالیه گو بر عذار کش  
آصف نهاد تخت و سلیمان بر آن نشست  
(ص ۴۰۵، ب ۱۸)

### ب) مکان‌های مقدس

بسامد نام مکان‌های مقدس نیز همانند اعلام مقدس در دیوان نظیری بالا است. این همه خود نشان از سیطره ذهنیت دینی و آیینی در شعر وی دارد: ارض مقدس، اقصا، ام القراء، باب السلام، بصره، بیت الحرام، بیت‌الله، خیبر، زمزم، سبا، صنعا، عدن، عراق، فردوس، قبله‌الاسلام قدس، کربلا، کعبه، کعبه‌الله، کنعان، کوفه، مروه، مدینه، مسجد اقصی، مشهد، مشهد حسین، مکه، مکه‌الله الحرام، منا، نجف، یثرب و...<sup>۱</sup>

۱. نام مکان‌های خاص:

خیبر:

بیان صفدر کزار عسگر فرار  
به شرح واقعه خوب خیبر آورده (ص ۴۹۲، ب ۱۸)

کنعان:

خانه زین گشت جولان‌گاه ماه خرگهی  
بر سر بازار شور ماه کنعانی نشست (ص ۴۰۷، ب ۴)



چنانکه از نمونه‌های زیر برمی‌آید به کارگیری نام مکان‌هایی که در تاریخ اسلام و به‌ویژه در باور شیعیان مقدس و مهم هستند، در شعر نظیری، زمینه‌ساز خلق تصاویر هنری نسبتاً زیبایی شده است. برای مثال شاعر از رهگذر به‌کارگیری دشت کربلا و بیت‌الله توفیق یافته که چنین تصویر تأثیرگذاری را در دو نمونه زیر خلق کند. نمونه‌های بعدی نیز نشان از سیطره ذهنیت دینی و مذهبی شاعر در فرایند خلاقیت ادبی دارد.

کربلا:

خون دشت کربلا می‌جوشد از مژگان من      داغ زهرا تازه شد در کلبه هرمان من  
(ص ۴۶۴، ب ۱۶)

بیت‌ا...

اشک سیمین مرا مهر روایی بر نه      که نثار در بیت ا... و روی حجرست  
(ص ۴۰۴، ب ۱)

ام القرا:

عروس کعبه که ام‌القری آفاقست      وظیفه خواره او با قبیله و احفاد  
(ص ۴۱۳، ب ۲۱)

مسجد اقصا:

آن اعتکاف مسجد اقصا نمود خوش      وین انزوای کنج حرم اختیار کرد  
(ص ۵۵۴، ب ۱۰)

ارض مقدس:

آن مرز و بوم ارض مقدس بخون سرشت      وین کوه و دشت مکه و یثرب به کار کرد  
(ص ۵۵۴، ب ۹)

مکه:

بر در کعبه ذلیم اثری واحزنانه      در ره مکه فقیرم مددی یا اصحاب  
(ص ۵۷۲، ب ۷)

یثرب:

وادی یثرب کجاست آه ز حرمان او      دامن دل می‌کشد خار مغیلان او  
(ص ۴۷۱، ب ۲۰)

زمزم:

عطش بادیه و جوع بیابان دارم      جرعه زمزمی از چاه زرخدان تو بس  
(ص ۲۱۴، ب ۱۴)

نجف:

ذره افتاده را کی بی‌نوا خواهد گذاشت      آن که خاکش کرده خورشید نجف را خاوری  
(ص ۴۹۷، ب ۷)

یمن:

هزار رنگ گهر ریختم کسی نشناخت      که جنس من یمنی بود یا بدخشانی  
(ص ۵۱۰، ب ۲۱)

مدینه و مروه:

به سیر مروه و طوف مدینه مشتاقم  
کجاست جاذبه‌یی یا رسول واشوقاه  
(ص ۴۷۶، ب ۱۶)

کعبه:

دیدهام را از جمال کعبه بینا کرده‌اند  
توشه راه خراباتم مهیا کرده‌اند  
(ص ۵۴۰، ب ۸)

### ج) کتاب‌های مقدس

ذکر نام کتاب‌های مقدس دینی سامی و غیرسامی مانند انجیل، ارژنگ، تورات، زبور، فرقان، قرآن، کلام حق، مصحف در دیوان نظیری هم نشانگر ذهنیت دینی شاعر است و هم تمهید لازم برای خلاقیت ادبی او را فراهم ساخته است. از جمله هنر سازه‌هایی که از این رهگذر توانسته خلق کند هنر سازه تشبیه مضمیر تفضیلی است که در برخی از نمونه‌های زیر مشهود است:<sup>۱</sup>

تورات:

شد وحی از آن قطع که دیوان نظیری  
می‌کرد بفرقان و به تورات قران را  
(ص ۳۸۶، ب ۲)

زبور:

به آیات زبور و نغمه داوود نفروشم  
بیان دردناک و نعره مستانه خود را  
(ص ۱۲، ب ۱)

فرقان:

پس همان گویم که در فرقان و انجیل و زبور  
برزیان انبیا جبریل گویا ساخته  
(ص ۴۸۶، ب ۹)

۱. نام کتاب‌های مقدس:

انجیل:

آن سال خورده مطرب دیدم که صبح و شام  
انجیل را به نغمه ارغن درآورم  
(ص ۴۵۰، ب ۳)

قرآن مبین:

نزد عقل من ز تصدیق نبوت برترست  
خصم اگر گوید کلام اوست قرآن مبین  
(ص ۵۴۵، ب ۸)

سوره یوسف:

مصحف تو بر جمال سوره یوسف نوشت  
تا به گدایی روند بر درش اخوان او  
(ص ۴۷۳، ب ۱۵)

مصحف مبین:

ز لوحه‌های کلیمش اگر نساخته‌اند  
بطنش ز چه چون مصحف مبین بینی  
(ص ۵۱۲، ب ۱۵)

## قرآن:

کند نزول ز معراج خاطر م سخنی      که ناسخ همه گفتارها چو قرآن شد  
(ص ۴۲۳، ب ۱۷)

## مصحف:

شها کسی که به دل داده جای خصم ترا      به کعبه پهلوی مصحف نهاده غُزّی را  
(ص ۳۹۰، ب ۱۸)

## د) اصطلاحات، عبارات و ترکیبات دینی:

بسامد آیات، احادیث و عبارات و ترکیب‌های عربی مانند اخلع نعلیک، الست، ابیت عند ربی، آخرالزمان، ابدالدهر، اشهد ان لا اله الا الله، السلام، الصلات، العطش، الله اکبر، انالحق، امالخبائث، امالکتاب، باب‌الخلافة، بخبخ لک یا علی مولایی، تبارک‌الله، حبل‌المتین، حورالعین، حق‌الیقین، کرام‌الکاتبین، کن‌فیکون، لانبی‌بعدی، لن‌ترانی، دارالسلام، دارالشفاء، روح‌القدس، سیف‌الله، شق‌القمر، علم‌الیفین، ماسوی‌الله، مرحبا، نون و القلم، وحده لاله‌الاالله، یا رب، یا رسول‌الله، یا علی، یا نبی، یوم‌القیامه و... در دیوان نظیری نیشابوری چنان پر شمار است که مصحح دانشمند این دیوان، استاد مظاهر مصفا فهرستی بلند برای آن فراهم ساخته است. از نمونه‌های زیر و کل دیوان چنین برمی‌آید که گفتمان دینی بر ذهن و زبان شاعر سخت سیطره دارد و به او امکان آفرینش‌های هنری نیز داده است. به نمونه‌های زیر بنگرید:<sup>۱</sup>

۱. اصطلاحات مذهبی و آیینی:

اشهدان لا اله الا...

ز ذکر اشهد ان لا اله الا الله      به گوش خوف رسانید، بانگ بشری را (ص ۳۸۹، ب ۱۵)  
یوم‌القیامه:

یوم‌القیامه گشت چو قائم ظهور کرد      الیوم کل شی‌الی‌مبدأ بعید (ص ۵۵۹، ب ۵)  
الصّلات:

ز اول شب بانگ نوشانوشم از ذرات خاست      تا ندای الصّلات آمد همه ساغر زدند (ص ۵۳۹، ب ۷)  
کن‌فیکون:

صلاح دیده خدای جهان که عالم را      به امر کن‌فیکون خلق ساخت نی بطل (ص ۴۴۵، ب ۲۲)  
یا علی:

قبول سمع تو کافی ست یا علی، ولی      زمانه گوش تمیز از ازل کر آورده (ص ۴۹۴، ب ۱۳)

### آخرالزمان:

که طالعش بظفر کرده‌اند استخراج  
(ص ۹۶، ب ۶)

سوار معركة آخر الزمان ایرج

### الله اکبر:

بگاہ دیدنش اصحاب چون گه تحریم  
(ص ۴۵۳، ب ۱۶)

کشیده نعره الله اکبر از هر سو

### بخ لک یا علی مولایی:

گواه نصّ ولایت به محضر آورده  
(ص ۴۹۳، ب ۱۵)

ندای «بخ لک یا علی مولایی

### حق الیقین:

بر صراط المستقیمش عقل دانا ساخته  
(ص ۴۸۶، ب ۵)

رویت خیرالهدی حق الیقینش کرده دل

### شق القمر:

خاتمی می‌کرد در انگشت بشکستش نگین  
(ص ۵۴۵، ب ۱۰)

صورت شق القمر بر چرخ می‌دانی چه بود

### کرام الکاتبین:

ما زدیوان عمل حرف ثواب افکنده‌بیم  
(ص ۳۰۹، ب ۶)

از کرام الکاتبین منت نظیری کی کشیم

### لن ترانی:

که نمی‌کنم توجه به جواب «لن ترانی»  
(ص ۵۰۲، ب ۷)

شده‌ام به اعتمادی به سوال وصل پویان

### وحده الا اله الا الله:

وحده لا اله الا الله  
(ص ۴۷۵، ب ۱)

هر که بیند شکوه او گوید

سیفا...

گاه شیف‌الله گه شمشیر ترسا ساخته  
(ص ۴۸۴، ب ۱۹)

ز آهن یک کان به حکمت کبریای ذات تو

یا نبی:

پیش امر تو سمعنا و اطعنا گویم  
(ص ۵۷۶، ب ۲)

یا نبی یا نبی از شادی آوا گویم

یا رب:

کز صبا عالم به دامن می‌ستاند مشک ناب  
(ص ۳۹۲، ب ۵)

ناف این آهوی مشکین دادیه یارب کی برید

## نتیجه‌گیری

نظیری نیشابوری در دیوان خود که مشتمل بر غزل، قصیده، قطعه، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند و رباعی است با اختیار بازی‌های زبانی خاصی، موجب رشک شاعران بزرگ معاصر خویش مانند صائب تبریزی می‌شود. در این اثر متکثر از لحاظ قالب‌های شعری، شاعر از مقال‌های زبانی گوناگون برای خلق این ساختار ماندگار شعری خود بهره می‌جوید، تا هم ممدوحان خویش را که مخاطب اقتصادی او به شمار می‌آمده‌اند خشنود سازد و هم مخاطبان فرهنگی خویش را که شاعران بزرگ آن دوره بوده‌اند تحت تأثیر خویش قرار دهد و از قضا موفق نیز شده است. این همه به سبب اشراف او بر مقال‌های زبانی گوناگون بوده است که در این مقاله به تبیین یکی از این مقال‌های زبانی دیوان شاعر یعنی گفتمان دینی پرداختیم و جلوه‌های مختلف آن را با ذکر نمونه تبیین کردیم. این مقال زبانی در دیوان شاعر حضور پررنگ‌تری دارد و بیشتر جلب توجه می‌کند چنانکه ذکر شد. این همه به دلیل اشراف در شریعت و تزلزل وی در این حوزه بوده است. اما دقیقه مهم در به‌کارگیری این مقال زبانی، قدرت هنری و کیمیاگری نظیری نیشابوری است که به او این امکان را می‌دهد که شعر ماندگاری خلق کند و تمامی مخاطبان را مجذوب و مشعوف گرداند. شاعر با بهره‌مندی از خلاقیت‌های فردی و به‌کارگیری شگردهای بلاغی مختلف به این مهم دست می‌یابد.

## منابع

- آزاد بلگرامی، میرغلامعلی، مآثرالکرام (سرو آزاد)، تصحیح میرهاشم محدث، سفیر اردهال، تهران، ۱۳۹۳.  
 نظیری نیشابوری، دیوان، به تصحیح مظاهر مصفا، امیرکبیر و زوار، تهران، ۱۳۴۰.  
 عبدالباقی نهاوندی، مآثر رحیمی، به اهتمام عبدالحسین نوایی، انجمن آثار مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱.  
 شبلی نعمانی، شعر العجم، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، شرکت سهامی چاپ رنگین، تهران، ۱۳۴۳.  
 احمدی، بابک، هایدگر و تاریخ هستی، مرکز، تهران، ۱۳۸۲.  
 صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، فردوس، تهران، ۱۳۶۴.  
 صائب تبریزی، دیوان، به کوشش محمد قهرمان، علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی